

شماره‌ی ۲۷
پنجشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۶



کلمات

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی



نگاهی به مستند

«خدیجه نی زن ورمه هایش»



وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ
حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

و آنان را که آیات
ما را دروغ انگاشتند،
از راهی که خود
نمی‌دانند به تدریج
خوارشان می‌سازیم.

قرآن کریم، سوره الأعراف
آیه ۱۸۲



کمان

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

شماره‌ی ۲۷، پنجشنبه، ۲۳ آذرماه ۱۳۹۶



نویسندگان:

رحیم ناظریان | مهدی اسدزاده | سهیل محمودی

همکاران:

مطهره کشاورز | اکرم سادات فاطمی | مهدی مجد | زکریا زرگانی
یاسر صدرنژاد | محمد حسین شفیق

عکاس:

سهراب خانزاده

مدیر هنری:

علیرضا بخشی

با سپاس از دبیرخانه‌ی جشنواره مستند
و کارکنان محترم خانه مستند انقلاب اسلامی

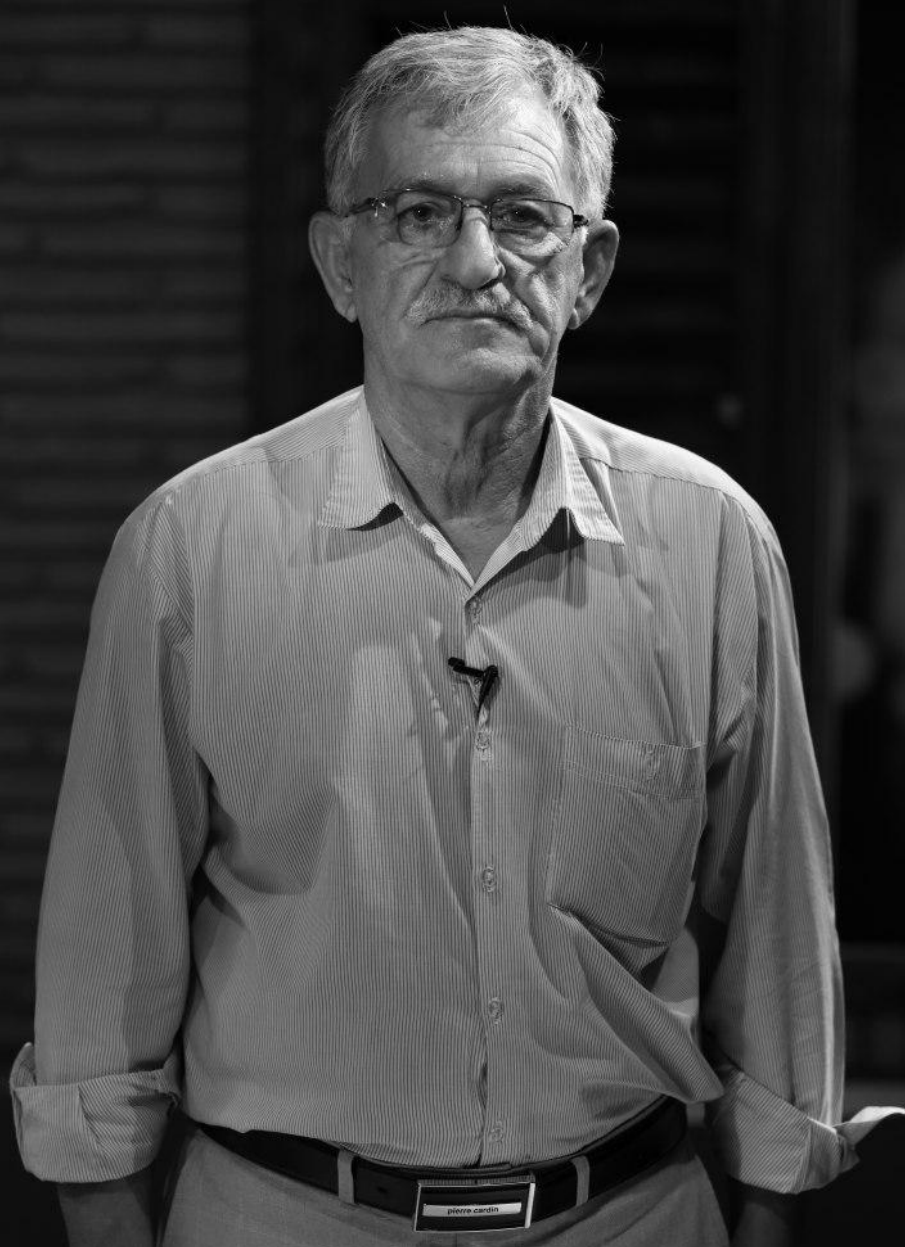
نشانی:

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک ساعی، جنب بیمارستان
مهرگان بن بست مهرگان، پلاک ۳
تلفن: ۸۸۷۸۳۶۴۵ ۸۸۷۸۳۶۵۰، کد پستی: ۱۵۱۶۷۳۵۶۱۴
خواننده‌ی گرامی، تمام شماره‌های نشریه‌ی کمان را می‌توانید از
سایت زیر دریافت کنید
www.khanemostanad.ir

خانه مستند

انقلاب اسلامی





امیر شکرگزار ناوی | کارگردان

نویسنده: مهدی اسدزاده

۲۵ سال پیش امیر شکرگزار ناوی، مستندساز نبود. یه محیط بان بود که هر از گاهی برای دل خودش از آرامش سحرانگیز جنگل عکس می‌گرفت. تا این که اون حادثه اتفاق افتاد: تویه تعقیب و گریز با شکارچی‌های غیرمجاز، گلوله‌اش ناخواسته به یکی از شکارچی‌ها خورد و... سال‌ها طول کشید تا بتونه از زندان آزاد شه.

وقتی آزاد شد تصمیمش رو گرفته بود. حالا مطمئن بود که برای حفاظت از محیط زیست به چیزی قوی‌تر از اسلحه احتیاجه. این شد که تازه تو اواخر میان‌سالی شروع کرد به یاد گرفتن سینما.

حالا سال‌ها بعد از بازنشستگی‌اش، امیر شکرگزار ناوی هنوز هم یه جورهایی محیط‌بانه. یه محیط بان با یه دوربین که حمایل کرده روی شونه‌اش... .



زندگی در دل جنگل‌های تالش

به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند، امیر شکرگزار ناوی کارگردان مستند «خدیجه نی زن و رمه هایش» درباره تولید این مستند گفت: وقتی که من در طبیعت می‌گشتم تنها با حیوانات سرو کار نداشتم، بلکه با مردمی هم سرو کار داشتم که زندگی آن‌ها با طبیعت گره خورده بود. در جنگل‌های تالش، خانمی را دیدم که چند بچه داشت و همسرش فوت شده بود. خدیجه نی می‌زد و گوسفندانش را با نی هدایت می‌کرد.



امیر شکرگزار ناوی

نویسنده:

سهیل محمودی



شکرگزار اضافه کرد: خدیجه، شخصیت سختی کشیده‌ای دارد؛ شوهرش فوت شده، یک مادر صدو شانزده ساله دارد که باید از او نگهداری کند و پسری دارد که به تازگی همسرش را از دست داده است. رمه‌های خدیجه تنها گوسفندان نیستند، او از چندین انسان هم مراقبت می‌کند و تمام این‌ها با گله داری و زندگی در طبیعت اتفاق می‌افتد. در کنار همه این‌ها او مدام نگران این است که جنگل‌ها را تخریب کنند و زندگی او مورد تهدید واقع شود.

وی افزود: در این مستند، راوی اصلی

خود خدیجه است که در جنگل‌های تالش، زندگی خود را برای مخاطبان روایت می‌کند. این فیلم طی چندین سال تولید شده است و به دلیل تصویربرداری در طبیعت تالش، پر است از صحنه‌های دیدنی از طبیعت بکر و زیبای شهر تالش.

مستند «خدیجه نی زن و رمه‌هایش» به کارگردانی امیر شکرگزار ناوی با پذیرفته شدن در فصل سوم جشنواره تلویزیونی مستند در تاریخ بیست و دوم آذرماه ساعت ۲۰ در قالب برنامه تلویزیونی جشنواره مستند روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.



پوستر فیلم مستند

«خدیجه نی زن و رمه‌هایش»



سرگردان در شرح رنج و شکوه زندگی

تحلیل مستند «خدیجه نی زن ورمه هایش»

نویسنده: رحیم ناظریان

و مستقل. اما حقیقت این است که بیراه نگفته‌ایم و چنین دریافتی از سینما خیلی از واقعیت دور نیست. همه چیز در یک مستند، متعلق به کارگردان است و اوست که صاحب تمام کنش‌هاست. با وجودی که این

چالشی بزرگ است اگر بگوییم سینمای مستند، تماماً محصول ذهن خلاق کارگردان است و همزمان هر چیزی که در یک اثر مستند می‌بینیم به شکلی کامل، از آن هنرمند است و نه امری بیرونی



نوع از سینما بسیار وابسته به سوژه‌ای بیرونی است اما محصول هنری، فراتر از این باور حرکت می‌کند و تمام آنچه ما به عنوان اموری بی‌اختیار در فرایندی هنری همچون سینمای مستند می‌بینیم بی‌شک زاییده نیروی خلاقانه صاحب اثر است. در سینمای مستند حتی اگر شاهد تصاویری باشیم که به ظاهر محصول میزانشنی باشند که طبیعت، آن را با فرمی قابل پذیرش و هنرمندانه در اختیار دوربین نهاده است، همچنان نمی‌توان این سوژه‌ی آماده، دست نخورده و بکر را از آن هنرمند ندانست. به طور مثال مستندی را تصور کنید درباره زلزله، سیل، طوفان،... و کارگردان در حین وقوع مصائب یاد شده در صحنه حضور دارد و آنچه روی می‌دهد را ثبت می‌کند و بعد از تولید فیلم و پخش آن به نظر دیگر نمی‌توان گفت این طبیعت است که باد را هدایت می‌کند بلکه حتی ذره‌ای نیز نمی‌توان بر تأثیر و نقش کارگردان بر هدایت باد شک نمود. این فیلمساز است که با دوربینش طبیعت و هر آنچه در آن روی می‌دهد را با زاویه

دید خودش به مخاطب ارائه می‌کند. حال تصویرش را بکنید در فیلمی مستند، شاهد چند و چون زندگی پیرزنی ۷۵ ساله ساکن کوهستان باشید که با کلامش و شکل زندگی‌اش شما را به شگفتی واداشته است. در این حالت نیز تمام آنچه می‌بینید محصول ذهن خلاق فیلمساز است. گزینش نهایی، کشف سوژه، پرداخت ایده، شیوه روایت و ساختار اثر، تدوین، ... همگی بکرترین سوژه در طبیعت را بدل به اثری خلاقانه و ذهنی خواهد کرد.

«خدیجه نی‌زن و رمه‌هایش» مستندی است بکر، با کاراکتری فوق العاده عجیب که در طول یک ساعت از زمان روایی فیلم، روبروی دوربین می‌ایستد و در پلان‌هایی طولانی با شما حرف می‌زند، به رمه‌هایش می‌پردازد، کار روزانه‌اش را انجام می‌دهد و البته نمی‌نوازد!

زبان کوهستانی‌اش، شکل نقل ماجراهایش، لحنش، مکث‌ها و ریتم کلام این زن ساکن کوهستان به گونه‌ای است که او را شخصیتی بسیار تأثیرگذار

در فیلم نشان می‌دهد. اما آنچه این کاراکتر را در قالب اثری فیلمیک معرفی می‌کند، تلاش کارگردان برای پرهیز از الصاق نگاهی ترجم‌برانگیز بر کلیت اثر و مهم‌تر از همه عدم دخالت او در شکل‌گیری ظاهر ماجراست. دوربین مشاهده‌گر که با تکنیک پنهان‌سازی خود، با وجود حضور مداومش، پلان‌هایی واقع‌نمایانه از سوژه استخراج می‌کند.

مکان وقوع رویداد و مکان ماجرای مستند در کوهستان است. جایی که پیرزنی به نام خدیجه به همراه برادر شوهرش که پیرمردی از کار افتاده است، در محاصره شرکتی که دارد جنگل را از بین می‌برد، در دل کوه زندگی می‌کند. صدای اره موتوری دائم به گوش می‌رسد و خود پیرزن نیز در همان ابتدای مستند، نکته‌ای بسیار تأثیرگذار و البته مهم بیان می‌کند؛ این که بالا و پایین و چپ و راست محل زندگی‌شان توسط آن شرکت محاصره شده و آنها در تمامی اوقات دارند درختان را پاکسازی می‌کنند. به نظر، معرفی موقعیت زیستی کاراکتر

این مستند با این شرایط، ایده‌ای بسیار عالی برای شرح کامل یک زندگی کوهستانی است که ناچاراً و یا از روی علاقه، راهی برای خروج از این وضعیت را ندارد. به عبارتی همین که خدیجه در آغاز فیلم با بیانی به شدت تأثیرگذار این حقیقت را بیان می‌کند که کارخانه چوب، دور تا دور خانه‌اش را در جنگل محاصره کرده، ناخودآگاه ذهن به این سو متمایل خواهد شد که این حصار به تعبیری همان حصار نمادینی است که خدیجه را برخلاف دیگران که از این مکان کوچ کرده‌اند، در این کوهستان صعب، نگاه داشته است. به نظر این جانمایی پلان در آغاز مستند، کاملاً ابتکار عمل را در اختیار کارگردان قرار داده و اوست که باقی فیلم را هدایت می‌کند. خدیجه رنجی بزرگ را متحمل می‌شود، ده فرزندش را در اوج رنج و کاری شبانه‌روزی بزرگ کرده و حالا همچنان با پیرمردی، تک و تنها در حال ادامه زندگی است و البته با صلابت.

فیلم به شکلی مرموز بدون آنکه مرگ و زوال را طرد کند، با نشان دادن

این عناصر، دائماً سویه هستی را به رخ می‌کشد. در یکی از برداشت‌های درخشان از زندگی روزمره‌ی خدیجه، این نکته بیان می‌شود که او با وجود ۷۵ سال سن، قرار است به ملاقات مادرش برود. آنچه طبیعی‌سازی یا واقع‌گرایی را در اثر تثبیت می‌کند عدم دخالت مستندساز هم از نظر عاطفی و هم از نظر محتوایی در کلام کاراکترهاست. ملاقاتِ دو پسرزن در اوج رابطه‌ای احساسی روی می‌دهد اما دوربین برای لحظه‌ای نیز از اصالتِ بی‌طرفانه‌اش خارج نمی‌شود. نمونه‌هایی از این دست در سینمای مستند ما کم نیست اما شاید از تولید صدها مستند بتوان نمونه‌ای این چنین را از نو مشاهده کرد. مادر کهنسال از مرگ می‌گوید، حافظه کوتاه مدتش را تا حدودی از کف داده و حتی دخترش خدیجه را نیز به درستی به خاطر ندارد. هیچ زمینه‌ای از گذشته و یا تعداد فرزندان او ندارد. سؤال‌اتش به گونه‌ای است که انگار برخلافِ واقعیت، بعد از سال‌هاست که او را می‌بیند. با این حال در بین زاری‌ها و اندوه کهنسالی و ملاقاتی که باغباری

از رنج زیستن و فقر و جبر جغرافیا ادغام شده، فیلمساز تنها به مشاهده‌اش از آنچه روی می‌دهد بسنده می‌کند. با این حال مایلم سرسختانه بگویم همه‌ی آنچه مقابل دوربین رخ می‌دهد محصول تخیل او و زاویه‌ای است هنری که کارگردان بدان اشراف دارد. اوج این نگاه هنرمندانه، آنجایی است که پسرزن کهنسال از ماهیت عوامل انسانی پشتِ دوربین اطلاعی ندارد و آن‌ها را راننده خطاب می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد بنشینند. با این وجود هیچ واکنشی از پشتِ دوربین جز حرکتِ موقرش نمی‌بینیم. دوربین می‌ماند، می‌ایستد و تنها شاهد این رنج کهنسالی و فراق است. در این میان، نکته حائز اهمیتِ دیگر، جمله‌ای کارآمد از پسرزن است که درباره عوامل فیلمبرداری می‌گوید. جمله‌ای که خود به شدت تأویل‌پذیر است. او خطاب به کارگردانی که ما حضورش را حس نمی‌کنیم، می‌گوید: «این آقایانجا حوصله‌اش سر می‌ره!» جمله کوتاه اما پر معناست. با تأکید بر توضیحی که در ابتدای این تحلیل بیان شد و بازنمایی فیلمیک از امر

در یکی از

برداشت‌های

درخشان از زندگی

روزمره‌ی خدیجه،

این نکته بیان

می‌شود که او با وجود

۷۵ سال سن، قرار

است به ملاقات

مادرش برود.

طبیعی را جزئی از نگاه اخلاقانه صاحب اثر دانستیم، می‌توان این کلام پیرزن را نیز این گونه تفسیر کرد که او در شرایطی این کلام محزون و دلسوزانه را طرح می‌کند که خود احتمالاً چنین شرایط سختی را در حال گذران است. به عبارتی کارگردان بدون حاشیه پردازی، تنها بر همین کلام کنایی پیرزن اکتفا می‌کند و به دور از پرداختن بر شرحی اضافه و زیاده‌گویی، تطویل را به کناری نهاده و سبب می‌شود مخاطب، خود به درک هستی بغرنج پیرزن اشراف یابد. با این رویکرد وقتی پیرزن خطاب به کارگردان می‌گوید «او اینجا حوصله‌اش سر می‌رود» یقیناً خود زن سالخورده، تجربه سختی را در گذر زمان و روزمرگی سپری کرده و شاید به همین دلیل است که در کلامی کوتاه آرزوی مرگ نیز می‌کند.

«خدیجه نی‌زن و رمه‌هایش» سرگردان در شرح رنج یا شکوه زندگی، آن چیزی را انتخاب می‌کند که عباس کیارستمی سال‌ها تلاش کرد در قالب بیانی سینمایی نشانمان دهد. می‌دانیم که او حتی در زلزله رودبار نیز دوربینش

را برد تا فقط بگوید زندگی ادامه دارد. حالا اگر در سخت‌ترین شرایط ممکن، طبیعت آنچه را که زندگی می‌نماید به نابودی کشانده باشد، نهایتاً می‌بینیم به زعم کیارستمی، این زندگی است که راهش را در سخت‌ترین شرایط می‌یابد. یا «طعم گیلان» و روشنفکری که می‌خواهد بمیرد فقط در گیر و دار ایده سنتی یا مذهبی یا علمی، نیازمند چند بیل خاک است تا مردنش با بی‌حرمتی همراه نباشد و می‌دانیم که چند دانه توت و چند دانه گیلان که نسبت به دیگر ملزومات زیستن، بسیار ناپایدارند، چگونه او را زیر و رو می‌کند. اینجا در «خدیجه نی‌زن و رمه‌هایش» کارگردان زیرکانه فیلم را با صدای اره موتوری که هشدار نابودی جنگل را می‌دهد، آغاز می‌کند. این صدا در این بخش، موتیف تکرار شونده‌ای است که درون مایه اثر را به شدت به سمت زوال می‌کشاند. در نیمه آغازین فیلم آن چیزی که می‌بینیم، زوال است. به عبارتی ما تازه با خدیجه و رنج جغرافیایی‌اش آشنا شده‌ایم. از صدای اره موتوری می‌فهمیم که او در کجای

جهان گیر افتاده، صدای اره موتوری نشانه مرگ است و بسیار ترسناک به گوش می‌رسد. شرکت چوب بری دور تا دور خانه کوهستانی خدیجه را محاصره کرده است. خدیجه بارمه هایش سرگرم است و البته کار روزانه‌اش نیز به شدت سخت می‌نماید. پروار گوسفندان، پخت و پز، چیدن میوه، خرید از بازار در شهر و رنج پیمودن راهی بسیار صعب، همه اینها در نیمه ابتدایی فیلم توسط کارگردان به ما نشان داده می‌شود و در لابه‌لای هر کدام از این پلان‌هایی که رنج را به تصویر می‌کشد موتیف دردناک اره موتوری را نیز گذر به گذر می‌شنویم.

نکته اینجاست که این صدای هول انگیز به تناوب و تناسب، درست در لحظاتی در نیمه ابتدایی فیلم شنیده می‌شود که ما در خلال دیدن رنج خدیجه، محو زیبایی‌های کوهستان و جذابیت‌ها و البته مصائب بی‌شمار او هستیم. صدای اره موتوری به نظر به گوش می‌رسد تا ما را از خواب غفلت بیدار کند. بنابراین در جانمایی اصوات و آن چیزی که ساختمان

روایت را می‌سازد، می‌توان گفت نیمه ابتدایی فیلم دائماً حول محور رنج و مصائب خدیجه است و صدای قطع شدن درختان نیز مزید بر علت.

اما در ادامه، نکته‌ای که تحت عنوان مبارزه کارگردان بین مرگ و زندگی از آن یاد کردیم رخ می‌دهد. فیلم آرام آرام صلابت خدیجه را به میان می‌کشد. فیلم آرام آرام زنی را نشان می‌دهد که در خانه، زنی است خانه‌دار و در بیرون، مردی است که به جای چند مرد در سن ۷۵ سالگی، توان کارکردن دارد. از اینجاست فیلم نرم نرمک به طرف سویی «زندگی» پیش می‌رود. خدیجه به ملاقات پسر و مادرش می‌رود. بی‌شک نیازی نیست دیگر در این بخش از فیلم صدای اره موتوری شنیده شود چرا که نوای زندگی به واسطه نوای دلنشین «نی» جریان دارد. خدیجه برای همه می‌نوازد. نواختنی که بوی زندگی می‌دهد و شاید به همین دلیل است که پسرش در حالی که مادر در حال نواختن نی است، تحت تأثیر این نوا می‌گوید: «به گریه‌های من کاری نداشته باش! تونی رو بز!»

جشنواره تلویزیونی مستند

Documentaries

The First TV Festival of The
Mostanad TV Holds

روایت حقیقت در قلاب واقعیت
شبکه مستند برگزار می کند

فصل سوم نخستین جشنواره مستند

روزهای زوج | ساعت ۱۹:۳۰ از شبکه مستند

بازپخش ساعت ۹ روز بعد

برای شرکت در مسابقه پیامکی
کد فیلم «خدیجه نی زن و رمه هایش» D8



جشنواره مستند

شما می توانید بعد از تماشای هر قسمت امتیاز خود را از یک تا پنج ستاره از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۸۱ با زدن کد فیلم به همراه عدد ستاره مورد نظر ارسال نمایید. ضمناً می توانید از طریق کانال اطلاع رسانی جشنواره به آدرس [@festmostanad](https://www.festmostanad.ir) و یا وبسایت جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir در این نظرسنجی شرکت کنید.